

شیخ جلال‌الدین تبریزی

« جعفری در نامه ات گر حرف نومیدی نبود

وقت خواندن نامه سان برخویش پیچیدن چه بود »

(خلاصه الاشعار)

شیخ جلال‌الدین تبریزی - از عرفای نامی قرن هفتم هجری بوده مرید شیخ

ابوسعید تبریزی و مراد شیخ زاهد کیلانی است و پس از وفات شیخ تبریزی خدمت شیخ-
شهاب‌الدین اهری رسیده و هفت سال تمام در محضر آن بزرگوار بوده و با وی زیارت
مکه معظمه نائل گردیده و با اوحد‌الدین کرمانی نیز همسفر بوده اند

مولانا جلال‌الدین خواجه معین‌الدین چشتی را نیز که از همدان بدیدن شیخ
ابوسعید به تبریز آمده بود ملاقات کرده و پس از مراجعت از سفر دوم خراسان از
بغداد به‌مراهی خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی (۶۳۴ مرده) بهندوستان رفته
و در آنجا از خلفای نامی چشتیها شده است و در موقع ورود بدهلی از طرف پادشاه
عهد سلطان شمس‌الدین ایلتمش (۶۲۳-۶۰۷) با احترامات فوق‌العاده استقبال و طرف
توجه گردیده است ولی در آنشهر با نجم‌الدین صغری که شیخ الاسلام وقت بوده است
سازش نکرده و از آنجا به بنکاله رفته و مقیم شده و در آن بلده در تاریخ ۶۴۲ داعی حق را
لیک اجابت گفته و قبرش زیارتگاه فقراست و در تاریخ وفات او چنین گفته اند

« شد چو از دنیا جلال‌الدین بخلد سال وصل آتشه و الامکان »

« زبده دین صاحب التوحید) گو (نیر اکبر جلال‌الدین) بخوان »

(خزینة الاصفیاء)

چشت بروزن خشت قریه ایست از قری هرات چون خواجه ابو اسحاق شامی
(۳۲۹ مرده) که در آن قریه ساکن بوده و از پیر خود بعنوان خواجه چشت موسوم شده
است و لذا خلفا و پیروان وی که مقدم ایشان خواجه ابواحمد ابدال چشتی (۳۵۵ مرده)
است باین عنوان معروف شده و تمام سلسله بآن اسم شهرت یافته است و مخزن سیم خزینة
الاصفیاء منحصر بتراجم احوال رجال سلسله آنهاست .

خواجه جلال‌الدین محمد تبریزی - درخوش طبعی بی نظیر و دراملاء و انشاء

دلیلی بود بعد از قتل میرزا شاه حسین (۹۲۹) اصفهانی منصب وزارت صاحبقران

دانشندان آذربایجان

منفور (شاه اسمعیل) تعلق بدو گرفت و تا آخر ایام حیات آنحضرت مهم مزبور در عهده او بود بعد از آنحضرت روز چند در وزارت حضرت صاحب قرانی (شاه طهماسب) دخل کرد اما هم در آن اوان باغواهی دیوسلطان که لله شاه طهماسب و وکیل آنحضرت بود گرفتار شده و بعد از چند روز او را در بوریای پیچیده سوختند و کان ذلک فی شهرور سنه ۹۳۰ و چنان مشهور است که در آن دم این بیت حیرانی همدانی را بوصف الحال خود خواند

« گرفتم خانه در کوی بلا در من گرفت آتش

کسی کو خانه در کوی بلا گیرد چنین باشد »

و این مطلع از اشعار خواجه مذاکور است

« الهی جایکی را صید گردان در کمند من

که اطمینان پذیرد خاطر مشکل پسند من »

و بعد از احراق خواجه نظارت دیوان اعلی را بقاضی جهان قزوینی موصول

داشتند . (تحفه سامی)

جمال الدین - ملك القضاة محمد بن عبدالغنی از فضلا و ادبای قرن هفتم شهر

اردبیل بوده در تاریخ ۶۴۷ مرحوم شده است حواشی و شروح مفیده بر کشف زمخشری

و آموزش این علامه مرقوم داشته اند شرح آموزش وی مکرر در ایران چاپ شده و در

میان طلاب معروف و متداول است .

جمال الدین - محمد بن محمد بن محمد تبریزی آقسرائی از ادبای قرن هشتم

هجری بوده شرحی به لباب اسفرائی که در نحو است مرقوم داشته و آنرا کشف الاعراب

نام نهاده است و در سنه ۷۴۰ که فراغت از تألیف آن یافته شانزده سال داشته است

(کشف الظنون)

جمالی - تخلص خانزاده خانم تبریزی دختر نیکو پیکر امیر یاراد کار است در فهم

بلندش سخن بسیار و در حسن و جمال دلفریبش گفته اند که نقاش فطرت بر عنائی او نقشی

بر صفحه ایام نکشیده بود و باغبان دهر کلی بر نکینی او در حدیقه کائنات ندیده حاصل

این مطلع ازوستا

سلطان جنید

« شبی در منزل ما میهمان خواهی شدن یا نه

اینس خاطر این ناتوان خواهی شدن یا نه » (مرآت الخیال)

کلمات میهمان و مهمان هر دو یکی است و آن از دو کلمه مه و مان ترکیب یافته

است یعنی هر کس که بخانه یکی از ایرانیان وارد گردد تا در آنجا هست بمنزله کدخدای

آن پست بوده و صدر مجلس آنجاست. تعالیمی در لطائف المعارف گفته اول من سن

للضيف صدر المجلس و سماء مهمان بهرام جور و تفسیره سیدالمنزل و فی ذلك يقول الشاعر

ما سمت العجم المهمان مهمانا . الا لاجلال ضيف كان من كانا . فالله اكبرهم و العمان

منزلهم . والضيف سيدهم ما لازم العمان

کلمات مه و که در پارسی کنونی همان مس و کس اوستائی و پهلوی میباشد که

سین آنها بحرف ها تبدیل یافته است و عبارت مصمغان در کتب اوایل اسلام معرب مسمغان

است که برؤسا و بزرگان مغان استعمال میشده است

سلطان جنید بن شیخ ابراهیم - بزیور فضل و کمال آراسته و بحلبه محامد و

محاسن یراسته بود بروفق سنن اباء و اجداد خویش عمل مینمود چون ارباب ارادت

بسیار گشت پیوسته از خاطر خطیرش میگذاشت که ترویج دین مبین نماید و ابواب مذهب

اقتی عشری گشاید چون جهانشاه در مذهب مخالف ایشان بود لاجرم آنحضرت را

از قلمرو خویش اخراج نمود آنحضرت با جمعی از اهل ارادت بصوب حلب عزیمت

فرمود چند گاه در بندر حلب شریف داشت آنگاه رایت حرکت بسمت دیاربکر برافراشت

ابوالنصر حسن بیک فرمانفرمای آندیار مخبر شده بقلم ارادت استقبال نموده از مراسم

اخلاص هیچگونه مهمل و معطل نگذاشت چنانکه بمصاهرت آنحضرت مفاخرت کرده

خواهر اعیانیه خود خدیجه بیگم را بنکاح آنحضرت در آورد سلطان جنید از آن

خواتون مهر افزون تولد نمود بعد از چند گاه با صوفیان صفوت شعار از دیاربکر بعزم

غزای کفار بطرف طرابزون شریف بردند بعد از غزا و غلبه بر آنها روی توجه به ملک

شروان نمودند امیر خلیل والی شروان از شوکت ایشان ترسیده لشکر بسیار مقابل آنها

فرستاد بعد از تلافی فریقین آنحضرت در آن جنگ از این سرای فانی در گذشت و اینواقعه

هایله در سنه ۸۶۹ و قوع یافت

(ریاض السیاحه)

دانشمندان آذربایجان

حاجی میرزا جواد مجتهد - خلف میرزا احمد تبریزی در تمام آذربایجان

بریاست کلیه و مطابقت عامه ممتاز بوده از آقا سید حسین کوهکمری و محقق ایروانی تحصیل کرده است در ۱۷ شعبان سال ۱۳۱۳ هجری در تبریز برحمت ایزدی واصل شده و چهل روز مجلس تعزیه در تبریز برای او گرفتند

جوادی - ملاستار از نوحه سرایان مناسب خوان تبریز بوده و اشعارش ترکیست

(حدیقه الشعرا)

جوهری - آقا میرزا بابا پسر حاجی کاظم تبریزی فاضل و کامل و ریاضی دان

و مهندس بوده و طبع عالی داشته و از جمله تلامذه آقا باقر بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی است کتاب روضة الواعظین در وعظ از جمله تالیفات اوست و قصه یوسف و زلیخا را نیز منظوم ساخته که قابل تمجید است در اول سال ۱۲۹۴ از زلزله تبریز فوت کرده و غیر از او از مشاهیر آذربایجان علامه العلماء ابو علی مراغه ای و ملا اسمعیل و میرزا فضل الله طیب و فضلعلی بیک دنبلی برادر عبدالرزاق بیک مقنون نیز که همه ایشان از جمله بی نظیران زمانه بودند زیر خاک مانده فوت کردند

(ریاض الجنة)

جوهری - میرزا مقیم خلف استاد میرزا علی اکبر زرگر تبریزی مقیم عباس

آباد اصفهان بوده بعد از فوت پدر بسبب علو فطرت سر بصنعت او فرو نیاورده بتجارت مشغول شد چون جوهر قابلیت در طبیعت داشت در مرتبه اول که بهندوستان رفت بعلت چرب زبانی با پادشاه زاده ها و امرا آشنا شده ثروت و سامانی بهم رسانیده باصفهان برگشت و بعد از چند سال باز بهندوستان رفت در این مرتبه پیش از پیش تحصیل سامان نموده مراجعت کرد بمرض کوفت مبتلا شده فوت کرد در حسن سلوک و شوخی و لطیفه گوئی و تتبع اشعار متاخرین بی نظیر بوده و طبع بلندی دارد یک مثنوی در مدح حسن خان شاملو حاکم هرات گفته از آنجاست .

« حسن خان برا زنده لطف شاه که شد سایه پرور ز ظل اله »

« قضا راست افتاده با تیر او قدر کج نیارد به شمشیر او »

« نیارد شد اسکندرش رو برو عیانست ز آینه تیغ او »

جویا

در تعریف اسب ناتوان خود گفته است .

« نصیب و قسمت من بود جوهری اسبی

که نیست روزی او جز سکندری خوردن »

« نخورده گاه ندیده جو و نکنده گیاه

بغیر یال و بالیش نیست در کردن »

« اگر گره نزنم بر دمش ز غایت ضعف

بسان رشته تواند گذشتن از سوزن »

« اگر ستایش رک داریش کنم شاید

ز بهر آن که نباشد بجز رکش در تن »

« رود چو آب فرو در زمین ز بار کران

اگر کند گذر از زیر نخل سایه فکن »

« ز بار ضعف سر از بای بر نمیدارد

عنان بدارد اگر دست لطفش از کردن »

« سواریش من وا نمانده را ز پا انداخت

روم پیاده به حج و شود گر از سر من »

(تذکره نصر آبادی . سفینه خوشگو . آتشکده آذر)

این دو نفر که متخلص بجوهری هستند غیر از میرزا محمد باقر جوهری صاحب طوفان البکاء^۱ فی مقاتل الشهداء موسوم بکتاب جوهری میباشد که او هروی الاصل و قزوینی المسکن بوده و در حدود هزار و دویست و چهل و اند در اصفهان مرحوم شده است .
جویا - میزا داراب بیک اصلش از تبریز بوده ولی او و برادرش کامران بیک متخلص به گویا و میرزا فتحعلی متخلص به تسکین هر سه در کشمیر تولد یافته و با سالک قزوینی و طالب کلیم معاصر بوده اند غلامعلی آزاد گفته (اغلب شعرای هند که در اوایل قرن دوازدهم هجری بوده اند مانند عبدالعلی طالع و عبدالعزیز قبول و ملاساطع و غیر آنها از خوش فکران کشمیر همه از تلامذه میرزا جویا هستند و در عهد عالمگیر پادشاه در خانه او هنگامه صاحب سخنان کرم بوده است)

۱ - این کتاب در پنجم رمضان سنه ۱۲۶۰ در مطبعه سری بی طهران چاپ شده است

میرزا جو یا در عهد عالمگیر پادشاه وفات یافته کلمه سخن پرور (۱۱۱۸) تاریخ وفات اوست دیوانش قریب بهفت هزار بیت مشتمل بر دیباچه تری و قصاید و غزلیات و رباعیات و مقطعات و چند مثنوی مختصر بضاوین حاتمیه و حسن معنی در تعریف کشمیر میباشد و دیگر مقدمه و دیباچه ای بر سفینه اشعار واجب الحفظ میرزا صائب و مرقعات میرزا هدایت الله خان نوشته و برخی رقعات دوستانه و خطبه نوروز نیز دارد ابیات ذیل نمونه از اشعار اوست .

« مگر بگذشت دل آواره ناشاد زین صحرا

که همچون آه درد آلود خیزد باد زین صحرا »

« همچو من عینک که در جزوی فراموشش کنند

کردم از شوقش نهان در نامه چشم خویش را »

« اگر در گریه خود داری کم چشم خطر دارد

ز ضبط اشک ترسم این جراحت آب بردارد »

« نگاه او چه خونریز است از پهلوی مژگانش

چو ماهی با خود این خنجر هزاران نیشتر دارد »

« سرو کار دل دیوانه ام افتاد با طفلی

که هر جا ناله بر میدارد این آن سنک بردارد »

جیشی - از تراگمه آذربایجان و از معاصرین شاه اسمعیل صفوی است . وله

« مرا نودیده و از دیده هم عزیز تری چه دیده که بر احوال من نمی نگری »

(تذکره یوسف علیخان)

در تذکره روز روشن مینویسد جیشی آذربایجانی ترکی نژاد بود که بتزیت

سلطان یعقوب استعدادی حاصل نمود و شاه اسمعیل صفوی او را بر تبه ملك الشعرائی

رسانید و بیت فوق را هم از وی نقل کرده است در تحفه سامی چنانکه در حرف حاء

آید ترجمه حال حبیبی خیلی شبیه بحال جیشی است بنگارنده معلوم نشد که این دو

تخلص عنوان دو نفر است و یا یکی تصحیف شده و آن دیگری صحیحتر است و در

تذکره حسن چلبی نیز شرح حال حبیبی هست و در آن کلمه نوشته خواهد شد .

چاکر

چاکر - اسمش حسینقلی خان نیره ذوالفقار خان افشار حاکم سابق خمره جوانی است باوفا و باوقار معروف بحسن گفتار موصوف بلطف رفتار در عنفوان جوانی حضرت شاهنشاه اورا بچاگری نواب ولیعهد سزاوار دانست از آنست که تخلص خویش را چاکر کرده است بحکم ولیعهد بعد از مدتی خدمت بواسطه کار دانی در حضرت نواب محمد میرزا امیر باراست و اشعار ترکی و پارسی از او یادگار است . وله

« شاهنشاه ز صبح ازل تادم نشور هستت سپهر چاکر و خدمتکم آفتاب »
« دانی برای چیست که از صبح تابشام شد منتظر بر این تل خاکستر آفتاب »
« گر بگذرد زره یکی از دوستان تو بر خاک مقدمش بگذارد سر آفتاب »

(نگارستان دارا)

چرتاب - ملا صادق روضه خوان متخلص به چرتاب (چرخ تاب) تبریزی از بدیهه گویان عهد عباس میرزا (۱۲۴۹ - ۱۲۰۰) نایب السطنه بوده و اشعارش بزبان ترکیست (حدیقه الشعرا)

حافظ چرگر - از تبریز است نقشها و صوتها را فوری می بندد و در هجو عملها دارد از جمله برای مولانا زینی که بغایت سیاه و جسیم بود عملی بسته و تاریخ وفات او خرس سیاه (۹۳۶) پیدا کرده است و وی برش بسیار میخورد و با وجود آواز گرفته خوانندگی هم میکند و اعتقاد تام بشعر خود دارد و خاطر بجمیع قوازیرب و زینت خود می گمارد تخلصش فراقی است و این مطلع ازوست

« دمبدم می کردم از شوق لب لعل تو مست لعل جان بخش ترا کیفیت بسیار هست »

چرگر بمعنی خواننده و خنیاگر است (تحفه سامی)

چلبی . ابوالفضایل حسام الحق والدین حسن بن محمد بن الحسن المعروف باخی ترك الارموی از مشاهیر آذربایجان خلیفه و جانشین حضرت جلال الدین مولوی و طرف خطاب وی در مثنوی بوده و ۱۲ سال پس از رحلت آنحضرت در سنه ۶۸۳ وفات کرده در مقبره و مزار مولانا دفن شده است

کلمه چلبی معلوم نیست از چه زبانی اقتباس شده و معنی آن چیست بعضی ریشه آنرا بالسنه کردی و مغولی منسوب داشته و برخی دیگر یونانی الاصلش میدانند و بر حسب

دانشمندان آذربایجان

نگارش سیاح معروف ابن بطوطه در آن لسان بمعنى مولانا وسیدنا وسیدی است و کویا در قرن هفتم هجری اشخاص خیر و ادیب و متبحر لیب را باین عنوان ملقب میداشته اند و شاید حسام الدین اول کسی است که باین عنوان شناخته شده است قاسم الانوار از شعرای آذربایجان در غزلهای استغاثه و مناجاة خود رب الارباب را نیز چلبی خطاب کرده و چنین گفته است :

« چلبی دمید جانرا که زد دوست چیست فرمان

چکنم چه چاره سازم چه دوا کنم چه درمان »

« چلبی بزه نظر قیل که حل اولسه راز مشکل

چلبی بزی اونو تمه دل خسته را مر نجان »

« چو جمال خود نمودی دو جهان بهم بر آمد

همه جا فغان و ناله همه جا خروش مستان »

« چلبی تو شاه و میری چلبی تو دستگیری

چلبی تو دلپذیری چلبی بزی اونو تمه »

« چلبی شه جهانی چلبی تو جان جانی

چلبی نه این نه آنی چلبی بزی اونو تمه »

بالجمله حسام الدین چلبی ارموی مرید مولانا جلال الدین بلخی رومی و او هم مرید شمس الدین تبریزی است و حضرت مولانا که سرسلسله مولویهاست در ششم ربیع الاول سنه ۶۰۴ در بلخ تولد یافته و در سنه ۶۶۱ رحلت فرموده در شهر قونیه مدفونست رساله فریدون سپهسالار و مناقب العارفین احمد افلاکی و ولد نامه سلطان ولد و منهاج الفقراء شیخ اسمعیل انقروی برای شناختن طریقه و تاریخ مولوی و مولویان بهترین کتب مؤلفه در اینموضوع میباشد و مثنوی حی و لایموت آنجناب که قریب بچهل هزار بیت است مشهورتر از آفتاب بوده و در وصف آن کتاب این بیت شیخ بهائی علیه الرحمه کافی است .

هست قرآن در زبان پهلوی

مثنوی مولوی معنوی

چلبی بیک

چلبی بیک - کمال الدین شیخ ابوالفضل معروف به چلبی بیک علامی از اشراف و بزرگ زادگان دار السلطنه تبریز است و پدرش میرزا علی بیک در زمان شاه طهماسب اول کلاثر آندیار بوده و در دوره تصدی قواعد نیکو و اعمال پسندیده از وی بظهور رسیده است ولی بعد از ترک منصب و یا عزل از آنشغل بطرف هند رفته و در قندهار رحل اقامت انداخته در نزد اولاد بهرام میرزا صفوی تقرب یافته و بار دیگر رایت اقبال برافراشته و در آنجا مشغول شده است اما مخدوم زاده مشارالیه در ابتدای ایام صبا که بحسن صورت آراسته و بجمال پیراسته بوده و طبع دلپسند و ادراک بلند و صحبت دلکش و حافظه بیغش داشت قدم بتحصیل علم گذارده و از وطن معروف بدار الافاضل شیراز رفته و در حلقه درس قدوه علمای جهان مولانا میرزا جان بخواندن حاشیه تجرید و دیگر علوم پرداخته و در اندک زمانی در فضل و دانش بمرتبه بلند رسیده است چنانچه حضرت علامه اورا مکرر در مجلس درس میستوده و براکثر اقرائش ترجیح میداده است لاجرم آتش رشک و حسد در کانون ضمیر مستعدان آنجا التهاب یافته و جمعی از اهل مدرسه متفق شده اورا بتجرع مدام متهم ساختند و آنجناب از آنجا بدار السلطنه قزوین رفته و مدتی در آنجا با علما و فضلا داخل مباحثه شده و برخی از فصول شفا و اشارات را بقوت مطالعه خود دیده و بگفتن شعر نیز توجه خاصی داشته و اشعار بلند و ابیات دلپسندش در آن نواحی باعث شهرت وی شده است معانی عجیبه و افکار غریبه در طرز غزل ابداع نموده در اوائل حال شیدا و بعد ها فارغ تخلص میکرده است بالجمله در هر فنی و در هر بابی که داخل گردیده در اندک زمانی بدرجه اعلی و مرتبه اسنی رسیده است

(خلاصه الاشعار)

چلبی بیک فارغ تخلص المشهور بعلامی در اوایل شیدا تخلص نمودی عاقبت بفارغ قرارداد در شطرنج بازی بی قرینه بوده و در سنه ۱۰۰۱ بلاهور رفته و در آنجا کتابی موسوم به رد النبوة نوشته و سال ۱۰۱۴ در همانجا مرده است

(عرفات العاشقین)

خوشگو در سفینه خود مینویسد (چون اکبرشاه آوازه فضل و کمال علامی را شنید اورا بهندوستان طلب فرموده و بعد از رسیدن خیلی اعتبار یافت و بدرجه عالی رسید

و در مدح آن پادشاه قصاید عزاگفته منجمله قصیده ایست که پس از مدح او اجازه رفتن
ایرانرا خواستار شده و مطلع آن اینست

«ای سلطنت سلسله جنیان خدائی احوال بود آندیده که دیده است جدائی»

پس از تحصیل اجازه مرخصی در موقع مراجعت سال ۱۰۱۱ در لاهور مرحوم
شده است صاحب شاهد صادق نیز فوت او را در همین تاریخ نوشته است نصر آبادی و
احمد رازی هر یک شرحی از او نوشته و مقداری از اشعارش ذکر کرده اند و این چند بیت
از منتخبات خلاصه الاشعار است

«نویدی ده که جانم از غم حرمان برون آید

بامید وصال از عهده هجران برون آید»

«محالست اینکه عاشق را شود یک کام دل حاصل

نمنا بر تمنا بشکند تا جان برون آید»

«دل فارغ نمنا دارد از عشقت چنان دردی

که با آن درد جان از منت درمان برون آید»



«بآه و ناله شب خواب پاسبان دزدم کرانی سرش از خاک آستان دزدم»

«رسیده کار بجائی که بعد از این منم نه ناله از دل و نی شکوه از زبان دزدم»

«تو تا چند خوری خون خلق و من تا کی اثر ز ناله دلهای نا توان دزدم»

چلبی محمد حسین - از اکابر تبریز بوده عباس آباد اصفهان که نمونه از

بهشت است از وجود او صفا پذیر و بجمیع کمالات آراسته بوده خصوصا در نظم و نثر و

مجلس او هیچوقت از علما و شعرا و فضلا و ارباب کمال خالی نبوده است مسجد و حمام

و بازار در جنب خانه خود ساخته با اسم او مشهور است و این ابیات از اشار الیه است .

«گردون هر آنچه بست امیدگشاد هست کار کسی حواله بچین جین مباد»

«اندر سفر و در حضرای صاحب هوش همراز بود کتاب از من بنیوش»

«کنگی است سخن گوی بشیر است و نذیر آنکه که شوی خموش گردد خاموش»

(نذاکره نصر آبادی)

چلبی میرزا رحیم

چلبی میرزا رحیم - از سخنوران آذربایجان بوده نواده محمد قاسم چلبی است

وله .

«میستاند صد دل و یکدل نمیدارد نگاه زلف را این باد دستها پریشان کرده است»

(لطائف الخیال)

چلبی محمد رضا پاشا تبریزی - از بنی اعمام مرحوم محمد حسین چلبی است

که در عباس آباد اصفهان سکنی داشت مجلا محمد رضا چلبی در اوایل جوانی همراه پدر خود بروم رفته بحسب قابلیت و قسمت پاشای مصر شده از اهالی مصر نقصان بسیاری باو رسیده چرا که حکومت از ولایت باجاره داده میشود بعرض خوانکار رسانیده نایده نکرد بعد از آن پاشای حبشه نیز شد از آنجا بمکه معظمه رفته (۱۰۳۴) متوطن و ده تا فوت شد شخصی او را بمکه معظمه دیده بود این نقل از او مسموع شد این شعار ازوست .

« ای فلت ما اسیر بند توئیم فکر ما را از این نکوتر کن »

« دو رفیقیم مختلف اوضاع وضع ما را بهم بر کن »

« یا پیاموز مردمی او را یا مرا نیز مثل او خر کن »

(تذاکره نصر آبادی)

چلبی میرزا محمد رضا - خلف حاجی صالح تبریزی هم مشهور بچلبی بوده و

ولد آن برگزیده دیوان دانش ولایت قسطنطنیه است در فن شاعری زبیر دست است یوانش آنچه بنظر رسیده از پنجهزار بیت متجاوز است سن شریفش در عقد سی بود که ر قندهار بجوار رحمت جناب قهار پیوسته حسب الفرموده ذو الفقار خان نعش او را روضه مشهد مقدس نقل نمودند و مدفش در قرب جوار امام معصوم در مقام مشهور به ار السعاده واقع شده تخلص وی عنوان بوده و این چند بیت در توحید گفته است .

« ای مهر ترا از دل هر ذره خبرها وی ساخته هر ذره ز مهر تو نظرها »

« معموره بمعموره بیابان به بیان گیرند سراغ تو خبرها ز خبرها »

« چون مهر نمایانی و در راه سراغت کمگشته نشانها و خبرها و اثرها »

« از دیده نهانی بود و نقش خیالت چون مردمک دیده هم آغوش نظرها »

« پیش گهر ابله و ریک روانست ؟ در رای غمت پای بسنگ آمده سرها ،
« عنوان بتمنای غمت بسکه فغان کرد ناسور شد اژ ناله او داغ جگرها ،
(قصص الخاقانی)

محمد طاهر نصر آبادی و میرزا صائب تبریزی در مشهد مقدس با عنوان چلبی ملاقاتها کرده و هر یک از او در تذکره و بیاض خود اشعاری نقل کرده اند دو بیت ذیل از بیاض صائب است .

« دراین دریا کدامین گوهر یکتا وطن دارد
که مانند صدف سر بر سر آوردند ساحلها ،
« تنک چشمان بهر دنیا ترک عقبی کرده اند
اعتبار دانه پیش مور پیش از گوهر است ،
این دو بیت هم در لطائف الخیال نوشته شده است .

« سامان جلوه گاه دگر کن برای خویش گزیر تو تو آینه را خا به پر شده است ،
« بیا که بی تو ز سرمایه حیات مرا بدیده مانده نگاهی و بر زبان سخنی ،
چلبی محمد قاسم تبریزی - برادر محمد حسین چلبی است اوقات خود را
بتجارت صرف میکرده است در ابتدای سلطنت عالمگیر پادشاه بهند رفته و در همانجا
فوت کرده ازوست .

« بگویش چون رسم جامی پیاد دوشتان نوشم
بلی در کعبه یاد آرند یاران آشنایان را ،
« رسم است که رهن شب تیره زند راه
ساقی شب مهتاب ره توبه ما زد ،
« ز عریانی باین شادم که از تشویش آزادم
گریبانی ندارم تا کسی از دست من گیرد ،
(تذکره نصر آبادی)

حاتم بیک اعتماد الدوله - در کلمه صافی نوشته شده است .

الحاج محمد تقی الدهخوارقانی - ولد بها و نشاء بقزوین فاضل عالم ماهر

حاجی تبریزی

فی کثیر من القتون متعلّب من تلامذة مولانا الخلیل القزوینی و اخیه مولانا محمد باقر
وله مصنفات منها حواش علی حاشیة العدة و کتاب کشکول و منظومة عربية فی المنطق
و کتاب فی الطب و مقامات و دیوان شعر بالفارسیه مات سنه ۱۰۹۳ (امل الامل)

حاجی اردبیلی - شاعری منقح و خوش طبیعت و عالی فکرت و با متانت است. وله
« دارد آندم سرما ترك برای پیکر ما که بفتراک خود آویخته باشد سرما »

(عرفات العاشقین . ریاض الشعرا)

حاجی تبریزی - بنا بر روایت صاحب خلاصه الاشعار در شیراز از میرزا جان
(۹۰۲ مرده) معروف تحصیل کرده است دیوانی از وی در کتابخانه اسعد پاشا
(در اسلامبول) موجود و ۲۵ سال پیش از این آنرا دیده ام سروری عثمانی (۹۶۹ مرده)
در منتخبات اشعار باری خود غزل ذیل را از دیوان حاجی تبریزی انتخاب و نقل کرده
است .

« منم کز بی خودی در دل هوای دلبر انگیزم

بسا آتش که از هجرش ز درد دل بر انگیزم »

« بگویم ترك سر روزی بیازم در میان جان را

روم چون باد در کویش روان در زلفش آویزم »

« اگر بندم نهد بر پا ندارد دست از آن هندو

شوم تسلیم بند او ز بند خویش بر خیزم »

« اگر دشمن فرود آرد حسام تیز بر فرقم

چنان گویم در آن ساعت که آمد دولت نیزم »

« که از تر دامنی چشم خیال دیگری جوید

ز غیرت بر زمین خوش بیک ساعت فرو بندم »

حاجی بله - ملك الاثمه و العلماء امین الدوله و الدین ابوالقاسم المدعو به

حاجی بله تبریزی از علمای معروف آذربایجان و از ندمای خواجه شمس الدین صاحب
دیوان است در تاریخ ۶۷۶ خواجه هماد الدین هماد و شمس الدین عییدی با حاجی
مشار الیه هر سه همراه صاحب دیوان مزبور در سفر روم بوده اند و حاجی بله از جمله آن

دانشمندان آذربایجان

دویست نفر میباشد که در تاریخ ۷۰۶ بمجموعه تفاسیر (مفتاح التفاسیر) خواجه رشیدالدین وزیر تقریظ نوشته است .

حاصلی تبریزی - زره میساخت و شعر خوب میگفت این مطلع در مرثیه ازوست
« سوسن ماتم زده لاله خونین کفن سرخ و سیه گشته اند بهر حسین و حسن »
(تحفه سامی)

حافظ مجلسی - از خیابان شهر تبریز است و قرآنرا حفظ کرده شترغو و قانون بدنی نوازد و در نقاری و خوشنویسی دستی دارد و سوای اینها بیست حیثیت می شمارد که دارم این مطلع ازوست .

« قدت نهال طویی و طویی خوش است حست در آن خوبی و خوبی در آن خوشست »
(تحفه سامی)

شترغو ، شدرغو ، شودرغو ، شیدورغو ، چترعود ، همه یکی است و آن یکی از آلات ذوات الاوتار موسیقی است که کاسه و سطح و ساعد آن طویل بوده و چهار وتر بر آن بسته و بر نصف روی آن پوست میکشند و از طبقه آلت عود محسوبست و آنرا بیشتر در مملکت ختا معمول میدارند و آنها هر جمعی از نعمات را کوك خوانند و ۳۶۰ کوك دارند .

قانون نیز یکی از آلات کثیر الاوتار موسیقی است که از چوب مجوف بشکل ذوزنقه ساخته و بر آن اوتاری از مقولهای برنجین می بندند و هر سه وتر را بر یک آهنک ساز کنند و باید دانست که آلات سنطور و چنگ نیز از این طبقه میباشد تفاوت عمده در مابین این دو آلت و قانون در آنست که اوتار سنطور جفت و اوتار چنگ فرد است و آلات نزهت و مغنی نیز از آلات کثیر الاوتار محسوب میشوند و نزهت از ترکیب دو قانون بعمل آمده صد و هشت وتر دارد و مغنی را از مجموع آلات ثلاثه قانون و نزهت و رباب اخذ و اقتباس نموده اند و هیئت آن چون تخته ای بود مطول که بر آن اوتار بندند و اوتار آن اکثر بیست و چهار باشد و هر وتری که از پی آن وتر دیگر میآید نصف مقدار آن بوده لاجرم نعمات زیر و بم آنها با یکدیگر امتزاج یافته و مسموع میشوند .
(موسیقی و موسیقی شناسان ایران تألیف نگارنده)

حافظ محمد حسین - اصلش از تبریز است مدتی در اصفهان گمنام بود در عاشوراء روضه الشهداء میخواند آواز خوشی داشت نواب میرزا حبیب الله صدر او را به علت آواز ملازم ساخته کمال اعتبار بهم رسانیده مشرب و سیعی داشت نهایت لطف در حرکاتش بود در ترتیب انشاء دست عظیم داشت و در نظم هم خالی از لطفی نبود شعرش اینست .

« ترا گر دوست تر از جان ندارم بکیش دوستی ایمان ندارم »
« دلی دارم ولی دردست من نیست سری دارم ولی سامان ندارم »
« نه دل نه دین و نه ایمان درست است شکستن لیک در پیمان ندارم »

(تذکره نصر آبادی)

حالی - قاسم بیک از اهل تبریز در ری سکونت داشته و دیوان او بر حسب روایت حسینی ۶ هزار بیت و با بروایت صدیق محمد حسن خان ده هزار بیت است .
« قاصد خجل رسید ندانم چه دیده است

گویا که یار نامه شوقم دریده است »

« این ها که میکنی بدل من سزای اوست

کز دلبران شهر ترا برگزیده است »

حالی - مولانا حالی از جمله شعرای تازه گویان کم آوازه آذربایجان است طبش در شعر خصوصاً در غزل هموار و نیکو و نظرش در طرز اختلاط متواضع و خوش خو در شهر سنه ۱۰۰۱ بکاشان آمده نزد اسد خان ولد حکیم ابوالفتح تبریزی مشهور بحکیم کوچک که شاخی است از شجر حکمت و سروی از حدیقه معرفت و اختری از برج سعادت و گوهری از درج محبت آرام یافت صاحب خلاصه الاشعار مبلغی از قصیده و غزلیات و رباعیات او انتخاب کرده یوسف علی خان این دو بیت را بنام وی نوشته است .

« بخاک من بنویس ای رفیق این معنی که بخت هر که یافند دگر نکو نشود »
« به بیکسی تو میرم که گرتو کم کردی کسی ز بهر تو حالی بجستجو نشود »

حبیبی - از قصبه برکشاد (در گوی چای) آذربایجانست اول در خدمت سلطان یعقوب میبود آخر بخدمت صاحبقران مغفور (شاه اسمعیل) افتاد او را منصب ملك الشعرائی داد و از روی هزل کرز الدین بیک نام نهاد و در اوائل حال بواسطه فقر بشبانی اوقات میگذرانید گویند سبب تربیت او این شد که سلطان یعقوب روزی در شکارگاه او را دید که بره میچراند بکی از ملازمان را فرمود که از این پسر پرس که این بنده از کیست آن ترک نزد حبیبی آمده پرسید او جواب داد که بره ها از کوسفندان است آن ترک دیگر پرسید که بزرگان ده شما کیستند گفت گاوان بزرگتر از همه اند گفت که ای نه من آنها را میگویم که ازده پیش از مردم بدر میایند جواب داد که سگهای کبک اند که همچو تو عزیز می آید به پیشواز او میروند ترک در قهر شده بترکی گفت که ای نه چایایدوم سنی (میکشتم ترا) گفت چاپ گوریولد اشلرنک کیتدی این ترک که قیل وقال بعرض پادشاه رسانید پادشاهرا خوش آمد او را تربیت فرمود و بواسطه لطف طبع شاعر شد و این مطلع ویت از اوست -

« سندن اوز که یاریم اولسه ای پریش سیمتن

کوروم اولسون او قبا اکنمه پیراهن کفن »

« چخمیا سودای زلفونک باشند ایمه کریوزایل

استخوان کلم ایچره تونه عقربلر وطن »

(تحفه سامی)

حسن چلبی در تذکره خود گوید حبیبی شاعر در عهد سلطان بایزید خان تانی بمملکت عثمانی آمده و پس از سیر و سیاحت بسیار در عصر سلطان سلیم خان (۹۲۶ - ۹۱۸) وفات کرده است

حجاب - میرزا ابوتراب از سخنوران عهد نادرشاه افشار است در عباس آباد

اصفهان ساکن بوده و در عهد آن پادشاه نیز مرحوم شده است و له

« زین پیش گردون در شیر من خون میکرد و اکنون در باده ام آب »

حجابی - اردبیلی از شعرای مقرر آنجا بوده طبیعت شیرین با مزه دارد

از اوست

حجت

«مصحبت غیرای بت خود کام نکردی ای آهوی وحشی بکسی رام نکردی»
«با مردم بد یار شدی نیک بیاندیش کز یاری این طایفه بدنام نکردی»
(عرفات الشاقین)

حجت - میرزا محمد ایروانی است قصیده مفصلی در جواب قصیده فتحعلی خان صبا از زبان سردار ایروان گفته مطلعش اینست
«ای صبا آمد صبا از کوی تو بر این دیار

از شمیمش خاک ما شد غیرت مشک تار»

حریف - از ایروانست قصیده در مدح عباس میرزا نایب السلطنه گفته مطلعش اینست

«نوروز عجم آمد و بگذشت سپندار بگذشت مه آذر و آمد مه آزار»

حزین - صاحب مثنوی از اهل شماخی بوده و او غیر از شیخ محمد علی حزین کیلانی است
(بستان السیاحه)

حسام الدین - حسن بن عبد المؤمن متخلص بحسام و ملقب بمظفری از ادبا و سخنوران قرن هفتم شهر خوی بوده کتب زیادی تالیف کرده است منجمله :
۱ نصیب الفتیان و نشیب الیدیان است که مانند نصاب الصبیان ابونصر فراهی و نظیره بر آن کتاب از عربی پارسی منظوم شده اوله الحمد لله العلی القوی المتین
۲ تحفه حسام است منظوم از پارسی ترکی اوله

«خدانگری توانگر معنی بای اشه بویرق ایدیجی کار فرمای»

۳ ملتمسات است و آن مشتمل بر صد و اند قطعه و رباعی است در باب ملتمسات متفرق از آن کتابست

«ای دست گهربار تو سرمایه گنج امروز نداریم هوای شش و پنج»

«شطر پنج تو بفرست که صاحب هنران در بازی شطر پنج رهند از صد رنج»

۴ نزهة الكتاب و تحفة الاحباب است مشتمل بر آیات و احادیث و امثال و صد بیت

نازی مترجم صد بیت پارسی از گفتار خود او

۵ قواعد الرسائل و فوائد الفضائل است شامل قواعد رسائل موافق استعمال کتاب

آن عهد و این نامه پارسی محض از آنجاست

روزگار خداوند کار بزرگوار سرور مهتران جهان پیشوای هنرمندان گهان .
برگزیده جهان پادشاه . دانای ارجمند . سرآمد دو زمان بزرگ زاد والانهاد . بخرمی و
کامرانی پیوسته باد . کهنتر کمینه . بندگی و زمینبوس میرساند . آرزومندی و نیازمندی
بدیدار خجسته و چهره فرخ ازان پایه گذشته است که برخی از آن بخامه . در هزار نامه
باز نماید . از پروردگار که آفریدگار جان . و دانای آشکار و نهان است . پیوسان
میباشند . دیدار زود باشد . چون تاب شکیبائی سپری شد . و توان تن و آرام دل بانجام
رسید . سختی چند از بر نیازمندی پیوند کرده بندگی گسیل رفت . اگر بنده را پاسخ
سرافراز گرداند از آن جهان مردمی شکفت نماید . که ایزدش در همه کار یار و
نگهدار باد .

این کتاب را مؤلف آن بعد از نزّه الکتاب در غره ماه رجب سال ۶۸۴ بنام امیر

محمود بن مظفرالدین یولق ارسلان بن الب یورک بن امیرچوپان تألیف کرده است

حسام الدین - حسن بن شرف التبریزی المتوفی سنه ۷۹۳ نزیل ماردین اخنا

عن خیر الدین خلیل بن العلاء البخاری وشغل الناس بماردین واخذ عنه الشیخ بدرالدین
بن سلامه (الدرر الکامنه فی اعیان المائه الثامنه)

وله دامغه المبتدعین و ناصرة المهتدین وهو مختصر علی قسمین الاول فی مشایخ

الطریقه و الثانی فی ان اعمال هذه الطایفه مخالفة لشریعة الاسلام

(کشف الظنون)

حسرت - میرزا محمد تقی پسر میرزا محسن مراغه ای بوده در اندک وقتی از علم

صرف و نحو و معانی و بیان و فقه آگاهی یافته خط شکسته را نیکو مینوشت در جوانی
وداع عالم فانی کرد (نگارستان دارا)

حسن بیک تبریزی معروف به شکر اوغلی - از جانب پدر نیره زاده علیشکر

بیک معروفست که از اعظام ایل بهارلو است و از جانب مادر بسلسله جهانشاه پادشاه

می پیوندد در شعر فهمی و خط شناسی و علم موسیقی و دیگر صفات از تعریف بی نیاز است

و گاهی برای امتحان طبیعت شعر گفته و مقیمی تخلص میکند (هفت اقلیم)

حسن بیک

حسن بیک مقیمی در زمان اکبر پادشاه (۹۹۷) بهند رفته و حسب الحکم بخدمت عبدالرحمن خان خانان که توحید قومیت باهم داشته و در این ایام بمهم دکن مأمور بوده است رفته و همانجا اوایل ماهه حاد یعشر وفات یافته است و مقیمی حسن هم تخلص میکرده است (تایج الافکار)

خوشکو شرح حال مختصری از وی در کلمه حسن و مؤلف روز روشن در کلمه مقیمی مرقوم داشته اند محمد صدیق حسن خان مؤلف شمع انجمن در هر دو کلمه مقیمی و حسن شرح حالی از وی نوشته و در کلمه حسن میگوید (دیوانش بخط خود او تخمیناً یکهزار بیت دیده شد) از این عبارت چنان مفهوم میشود که مؤلف ملتفت نبوده که این دو نفر یکی است و محققاً آن دیوان کوچک وی منحصر بتخلص حسن بوده است بالجمله ابیات ذیل از اشعار اوست

« ناخوانده آمده است مقیمی به بزم تو طغش مزن که بس بود اورا خجالتش »
« بر سر راه تو میآیم بصد حسرت و لسی چون تو پیدا میشوی از دور پنهان میشوم »
« نهان شود ز خجالت چو بیندم قاصد ز بسکه گفته دروغ از زبان یار بمن »
« عالمی زهر توان خورد به تنهایی لیک توان با مکی دست بشکر بردن »

حسن بیک - مردم تبریز و شاگرد مولانا علی بیک تبریزی است و بعد از استیلائی رومیه به تبریز بعراق رفته و در مسجد جامع قزوین مشغول کتابت بود خطش کم از استادان سته نبوده تجار مصاحف خط او را بریعی مسکون می بردند و بقیمت اعالی هدیه میدادند (کلام الملوك)

حسن حکاک - از نظم سرایان قرن سیزدهم آذربایجان بوده و اشعارش بزبان ترکی است (حدیقه الشعراء)

حسن سرایی - از شعرای معروف آذربایجان بوده و اشعارش در السنه و افواه مردم مشهور شده و منظومه ای هم قریب سه هزار بیت در مصائب حضرت حسین ۴ موزون کرده است (حدیقه الشعراء)

الحسن بن الحسن الشحام - ابو علی الارموی الفرفقا باذی قدم نیشابور و - حدث عن ابی بکر محمد بن علی الفرفقا باذی من مشایخ ناحیه ذکریه فی السیاف (معجم البلدان)

الحسن بن القاسم بن العلاء - من اهل آذربایجان لم یناکروه فی کتب الرجال
والذی ینظر ما رواه الشیخ ره فی کتاب الغیبه ان الرجل من اجلاء الامامیه بل من وکلاء
التاحیه (تقیح المقال)

الشیخ حسن النخجوانی ثم البلغاری التبریزی - از نواده های شیخ سلیمانست
که در دره کزین همدان مدفونست در سنه ۶۰۳ در بلده نخجوان تولد یافته پانزده ساله
پدرش مرحوم شده با والده و برادر خود جلای وطن اختیار کرده از نخجوان بخوی
رفته اند بیست و سه ساله هم والده اش برحمت خدا واصل شده او و برادرش بمصائب
گونناگون دوچار گشته و در موقع حمله امیر جرماغون او را باسیری برده اند هفت سال
در میان قیچاق مانده و در سن سی و سه سالگی بجزبه قوی نائل شده است نه سال در بلغار
و سه سال در بخارا و ۲۷ سال در کرمان و یکسال در مراغه و بقیه عمر را در تبریز بسر برده
است شب دوشنبه دوم شهر ربیع الاول سنه ۶۹۸ نود و سه ساله مرحوم شده در مقبره سرخاب
جنب مرقد بابا مزید دفن شده و بر سنک قبر وی چنین نوشته اند

هذه الروضة للشیخ العالم العارف المحقق قطب العالمین وارث الانبیاء والمرسلین
لسان القدس ترجمان الرحمن سر الله فی الارضین غوث البرایا خاتم المشایخ صلاح-
الحق والملة والدين الحسن بن عمر النخجوانی قدس الله سره

(روضات الجنات)

حسین بن احمد بن محمد تبریزی - از رجال نامی قرن هشتم هجری است در
سنوات ۷۳۰، ۷۳۴، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲، ۱۵۵۳، ۱۵۵۴، ۱۵۵۵، ۱۵۵۶، ۱۵۵۷، ۱۵۵۸، ۱۵۵۹، ۱۵۶۰، ۱۵۶۱، ۱۵۶۲، ۱۵۶۳، ۱۵۶۴، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۱۵۶۷، ۱۵۶۸، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰، ۱۵۷۱، ۱۵۷۲، ۱۵۷۳، ۱۵۷۴، ۱۵۷۵، ۱۵۷۶، ۱۵۷۷، ۱۵۷۸، ۱۵۷۹، ۱۵۸۰، ۱۵۸۱، ۱۵۸۲، ۱۵۸۳، ۱۵۸۴، ۱۵۸۵، ۱۵۸۶، ۱۵۸۷، ۱۵۸۸، ۱۵۸۹، ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۲، ۱۵۹۳، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵، ۱۵۹۶، ۱۵۹۷، ۱۵۹۸، ۱۵۹۹، ۱۶۰۰، ۱۶۰۱، ۱۶۰۲، ۱۶۰۳، ۱۶۰۴، ۱۶۰۵، ۱۶۰۶، ۱۶۰۷، ۱۶۰۸، ۱۶۰۹، ۱۶۱۰، ۱۶۱۱، ۱۶۱۲، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵، ۱۶۱۶، ۱۶۱۷، ۱۶۱۸، ۱۶۱۹، ۱۶۲۰، ۱۶۲۱، ۱۶۲۲، ۱۶۲۳، ۱۶۲۴، ۱۶۲۵، ۱۶۲۶، ۱۶۲۷، ۱۶۲۸، ۱۶۲۹، ۱۶۳۰، ۱۶۳۱، ۱۶۳۲، ۱۶۳۳، ۱۶۳۴، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۳۷، ۱۶۳۸، ۱۶۳۹، ۱۶۴۰، ۱۶۴۱، ۱۶۴۲، ۱۶۴۳، ۱۶۴۴، ۱۶۴۵، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۱۶۴۸، ۱۶۴۹، ۱۶۵۰، ۱۶۵۱، ۱۶۵۲، ۱۶۵۳، ۱۶۵۴، ۱۶۵۵، ۱۶۵۶، ۱۶۵۷، ۱۶۵۸، ۱۶۵۹، ۱۶۶۰، ۱۶۶۱، ۱۶۶۲، ۱۶۶۳، ۱۶۶۴، ۱۶۶۵، ۱۶۶۶، ۱۶۶۷، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۶۷۰، ۱۶۷۱، ۱۶۷۲، ۱۶۷۳، ۱۶۷۴، ۱۶۷۵، ۱۶۷۶، ۱۶۷۷، ۱۶۷۸، ۱۶۷۹، ۱۶۸۰، ۱۶۸۱، ۱۶۸۲، ۱۶۸۳، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷، ۱۶۸۸، ۱۶۸۹، ۱۶۹۰، ۱۶۹۱، ۱۶۹۲، ۱۶۹۳، ۱۶۹۴، ۱۶۹۵، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۶۹۸، ۱۶۹۹، ۱۷۰۰، ۱۷۰۱، ۱۷۰۲، ۱۷۰۳، ۱۷۰۴، ۱۷۰۵، ۱۷۰۶، ۱۷۰۷، ۱۷۰۸، ۱۷۰۹، ۱۷۱۰، ۱۷۱۱، ۱۷۱۲، ۱۷۱۳، ۱۷۱۴، ۱۷۱۵، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷، ۱۷۱۸، ۱۷۱۹، ۱۷۲۰، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳، ۱۷۲۴، ۱۷۲۵، ۱۷۲۶، ۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹، ۱۷۳۰، ۱۷۳۱، ۱۷۳۲، ۱۷۳۳، ۱۷۳۴، ۱۷۳۵، ۱۷۳۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۸، ۱۷۳۹، ۱۷۴۰، ۱۷۴۱، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۴، ۱۷۴۵، ۱۷۴۶، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۴۹، ۱۷۵۰، ۱۷۵۱، ۱۷۵۲، ۱۷۵۳، ۱۷۵۴، ۱۷۵۵، ۱۷۵۶، ۱۷۵۷، ۱۷۵۸، ۱۷۵۹، ۱۷۶۰، ۱۷۶۱، ۱۷۶۲، ۱۷۶۳، ۱۷۶۴، ۱۷۶۵، ۱۷۶۶، ۱۷۶۷، ۱۷۶۸، ۱۷۶۹، ۱۷۷۰، ۱۷۷۱، ۱۷۷۲، ۱۷۷۳، ۱۷۷۴، ۱۷۷۵، ۱۷۷۶، ۱۷۷۷، ۱۷۷۸، ۱۷۷۹، ۱۷۸۰، ۱۷۸۱، ۱۷۸۲، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴، ۱۷۸۵، ۱۷۸۶، ۱۷۸۷، ۱۷۸۸، ۱۷۸۹، ۱۷۹۰، ۱۷۹۱، ۱۷۹۲، ۱۷۹۳، ۱۷۹۴، ۱۷۹۵، ۱۷۹۶، ۱۷۹۷، ۱۷۹۸، ۱۷۹۹، ۱۸۰۰، ۱۸۰۱، ۱۸۰۲، ۱۸۰۳، ۱۸۰۴، ۱۸۰۵، ۱۸۰۶، ۱۸۰۷، ۱۸۰۸، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰، ۱۸۱۱، ۱۸۱۲، ۱۸۱۳، ۱۸۱۴، ۱۸۱۵، ۱۸۱۶، ۱۸۱۷، ۱۸۱۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱، ۱۸۲۲، ۱۸۲۳، ۱۸۲۴، ۱۸۲۵، ۱۸۲۶، ۱۸۲۷، ۱۸۲۸، ۱۸۲۹، ۱۸۳۰، ۱۸۳۱، ۱۸۳۲، ۱۸۳۳، ۱۸۳۴، ۱۸۳۵، ۱۸۳۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۸، ۱۸۳۹، ۱۸۴۰، ۱۸۴۱، ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۶، ۱۸۴۷، ۱۸۴۸، ۱۸۴۹، ۱۸۵۰، ۱۸۵۱، ۱۸۵۲، ۱۸۵۳، ۱۸۵۴، ۱۸۵۵، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷، ۱۸۵۸، ۱۸۵۹، ۱۸۶۰، ۱۸۶۱، ۱۸۶۲، ۱۸۶۳، ۱۸۶۴، ۱۸۶۵، ۱۸۶۶، ۱۸۶۷، ۱۸۶۸، ۱۸۶۹، ۱۸۷۰، ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۳، ۱۸۷۴، ۱۸۷۵، ۱۸۷۶، ۱۸۷۷، ۱۸۷۸، ۱۸۷۹، ۱۸۸۰، ۱۸۸۱، ۱۸۸۲، ۱۸۸۳، ۱۸۸۴، ۱۸۸۵، ۱۸۸۶، ۱۸۸۷، ۱۸۸۸، ۱۸۸۹، ۱۸۹۰، ۱۸۹۱، ۱۸۹۲، ۱۸۹۳، ۱۸۹۴، ۱۸۹۵، ۱۸۹۶، ۱۸۹۷، ۱۸۹۸، ۱۸۹۹، ۱۹۰۰، ۱۹۰۱، ۱۹۰۲، ۱۹۰۳، ۱۹۰۴، ۱۹۰۵، ۱۹۰۶، ۱۹۰۷، ۱۹۰۸، ۱۹۰۹، ۱۹۱۰، ۱۹۱۱، ۱۹۱۲، ۱۹۱۳، ۱۹۱۴، ۱۹۱۵، ۱۹۱۶، ۱۹۱۷، ۱۹۱۸، ۱۹۱۹، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱، ۱۹۲۲، ۱۹۲۳، ۱۹۲۴، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۸، ۱۹۲۹، ۱۹۳۰، ۱۹۳۱، ۱۹۳۲، ۱۹۳۳، ۱۹۳۴، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۳۷، ۱۹۳۸، ۱۹۳۹، ۱۹۴۰، ۱۹۴۱، ۱۹۴۲، ۱۹۴۳، ۱۹۴۴، ۱۹۴۵، ۱۹۴۶، ۱۹۴۷، ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۱، ۱۹۵۲، ۱۹۵۳، ۱۹۵۴، ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۶۲، ۱۹۶۳، ۱۹۶۴، ۱۹۶۵، ۱۹۶۶، ۱۹۶۷، ۱۹۶۸، ۱۹۶۹، ۱۹۷۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱

و در سنه ۱۰۱۴ از دار فانی به عالم باقی رحلت فرموده اند

مولانا خلخالی در قوه مناظره و مشاجره و نقد و انتقاد و حید عصر خود بوده و کتب زیادی تألیف کرده است منجمله حواشی و تعلیقات آن بزرگوار بر رسائل تهذیب علامه ققازانی و اثبات الواجب علامه دوانی مشهور است و تعلیقات دیگر بر حواشی تفسیر بیضاوی و عقاید نسفی نیز نوشته است با مولانا یوسف بن محمد جان قراباغی معاصر بوده و حواشی عقاید عضدی ویرا دو مرتبه انتقاد کرده است رسائل دیگری راجع بمیقات زمان و دائره هندیه و تشریح افلاک و غیر آنها نیز دارد

حسین بن عبدالله شروانی - از فضلاء آن ایالت است کتابی بعنوان الاحکام الدینیہ تألیف کرده و در آن کتاب نسبت سیادت را از سلسله صفویه تردید و تکذیب نموده است (قاموس الاعلام)

میرزا حسین کوزه کنانی - در اصفهان نشو و نما یافته و تحصیل کمالات کرده است منشی دفتر همایون شاهنشاهی بوده بامر فتحعلیشاه کتابی در قصص و حکایات مسمی بزینته الحکایات نوشته و این ابیات از آنجاست

«زندگانی يك دو روزی پیش نیست	وقت اندك قابل تشویش نیست»
«شادی و اندوه عالم یکدم است	بهر یکدم این چه اندوه و غم است»
«هر کجا حرفی زانده و غم است	داغ ماتم دیدگان را مرهم است»
«ای خوشا عشق و خوشا بد نامیش	اصل کام آمد همه ناکامیش»
«بندگی کن تا که آزادت کنند	در خرابی کوش کابادت کنند»

(نگارستان دارا)

حسین بن موسی الاردبیلی - ساکن استرآباد کان فاضلا فقیها صالحا معاصرا لشیخنا البهائی له کتب منها شرح الرسالة الصومیه للبهائی ذکر فی موضع منه انه لما وصل الی ذلك الموضع سمع وفاة المصنف باصبهان (۱۰۳۱-۹۵۳) و انه حمل الی مشهد الرضاه و له حواش علی شرح تهذیب الاصول للعمیدی و غیر ذلك

(امل الامل)

حشری تبریزی - با موزونان مشهور بوده و از صحبت ایشان سرور بقدر کسب

دانشمندان آذربایجان

علمی نموده و غزوات شاه عباس ماضی را حسب الامر در سلك نظم کشیده در عباس آباد اصفهان ساکن بوده و مبلغی از سرکار موقوفات وظیفه داشت آن وظیفه انقطاع پذیرفت در این باب رباعی بمیرزا حبیب الله صدر فرستاد میرزا مبلغ سی تومان در جائزه وظیفه او مقرر کرد در صاحبت میرزا بسر میرد بعد از مدتی رخصت گرفته به تبریز رفت و در آنجا وظیفه حیات او منقطع گردید رباعی مذاکور اینست

« از قطع وظیفه گر کنم شکوه خطاست آنکس که دهد وظیفه رزاق خداست »
« جان شد کر و روزی و رازق ضامن دارم گرو و ضامن من یا بر جاست »
(خزانه عامره)

مولانا محمد امین حشری از خانواده شمس الدین محمد ثانی است غیر از مثنوی غزوات شاه عباس منظومه های دیگر نیز دارد یکی از آنها بعنوان روضه ابرار است که در تاریخ ۱۰۱۱ در بحر مخزن الاسرار موزون شده و در همانسال روضه اطهار را نیز تألیف کرده است که هر دو کتاب بنظم و نثر در خصوص مقابر اولیاء و مشایخ و عرفا و شعرائی است که در تبریز و حوالی آن دفن شده اند و کلمه روضه تاریخ تألیف آنهاست چنانکه گفته

« عقل در این روضه بهر سوشتافت از پی تاریخ همین روضه یافت »
دو بیت ذیل هم از مثنویهای اوست

« جمله جهان نیست بجز یک سرای هست سراسر همه ملک خدای »
« در نظر هر که خداداد است بود اینسر و آنسر همه یکسان بود »

روضه اطهار در تاریخ ۱۳۰۳ هجری در تبریز چاپ شده و کمیاب است

حفظی - حاجی محمود تبریزی از سخنورانی است که مؤلف لطائف الخیال اسم و تخلص او را در فهرست مفصل خود ذکر کرده و اشعاری از وی انتخاب کرده از آنهاست

« پژمرده میشود دلم از گفتگوی خلق چون غنچه که با نقشش وا کند کسی »

حقیر - حاجی میرزا غفار مرندی معروف بقصه خوان قصائد و غزلیات بسیار گفته

قطعه ذیل را که آنجناب در سنه ۱۲۸۲ ساخته مشهور و معروف است

« بیج بیج ایتمیون جهانی بخیون انما النجوی من الشيطان اخی »

حقیری

« باخ هرانه هامی استحصکا مه
« هی دیر سوز بر بریندن کوشنه
« باطنه باخسان خیانت گوز لری
« چوخ اوزون کیمه حقیرا بس ایله
« بیچ بیچدن بول خراب اولدی اخی
« تابکی بسدور داخی چکدوم نخی
« ظاهرا باخسان دیر بیخ بخی
« چک نو تکون دیلنی چالما دخی
(حدیقه الشعرا)

حقیری - از صنایع شعرای آذربایجانست در شاعری خوشگوی و لطیف بیان بوده و در اخلاق حمیده و اطوار پسندیده بی شبه و نظیر است و در میان سخنوران آذربایجان بحلاوت گفتار و بدایع افکار ممتاز و مستثنی میباشد بیست سال قبل از آنکه متوجه زیارت حضرت رضاء بود بکاشان شریف آورده چهار سال توقف نمود و با جمعی از مستعدان خصوصاً با مولانا محترم اختلاط کرد بنده در آنوقت خدمت ایشان رسیده حالات درویشانه و اخلاق صوفیانه از او دیدم روزها بصوم و تلاوت قرآن و شبها باده صلوة و اصناف عبادات میگذرانید در شهر سنه ۹۸۱ از کاشان بجانب خراسان رفت و بعد از زیارت از راه قزوین بوطن مألوف خود مراجعت کرده در تبریز ساکن گشت در تاریخ ۹۹۴ که رومیه شومیه به تبریز آمدند و حیات تبریزیانرا خراب ساختند مولانا در آن فقرت بردست آن طایفه شهید گردیده در روضه رضوان با شهداء آذربایجان منزل گزید اشعار غزل آنجناب آنچه در آنوقت بنظر رسید دیوانی بود مشتمل بر شش هزار بیت لیکن از آن بواسطه صغر سن انتخاب نرسید و در این اوقات هر چند طلب نمودم سوای این چند بیت (۶۸) که در سفاین مستعدان بود چیزی دیگریافت نگردید لاجرم این اشعار را در این اوراق حسب الضروره ثبت نمودم از آنهاست

« بهر کس که روزی شوی آشنا
« اگر خوب خلقست و پاکیزه رای
« و گر ناپسند است اوضاع او
« بنیک و بد او را نظر کن تمام
« باو بگذران نیک دوری بکام
« سلام علیک و علیک السلام
(خلاصه الاشعار)

« از حقیری عشق و رسوائی خوش است
« او یکی از عاشقان بنواست
« خوش نباشد پارسائی های او
« رحم کن بر بی نوائیهای او

دانشمندان آذربایجان

در نطفه سامی مینویسد : حقیری تبریزی از شعرائی است که نو پیدا شده طبعش در شعر خوبست این مطلع ازوست

« چو تیر از دل کشم با تیر آن مه جان برون آید

چو شخصی کز پی تعظیم با مهمان برون آید »

حقیقی - تخلص میرزا جهانشاه خان بن قرا یوسف است که بعد از برادر خود میرزا اسکندر و قتل برادر زاده اش قباد در سنه ۸۳۹ بر تخت سلطنت آذربایجان جلوس نموده سیزده سال از جانب میرزا شاهرخ در آذربایجان و غیر آن فرما فرما بوده و ۲۲ سال خودسر در عراقین و آذربایجان و فارس و کرمان و هرمز و خراسان سلطنت کرده و دم از استقلال زده است که مجموع سلطنت او از این تفصیل ۳۵ سال میشود

جهانشاه خان در سنه ۸۷۲ در جنگ اوزون حسن پس از هفتاد و دو سال زندگانی بقتل رسیده و جسد او را به تبریز آورده در عمارت مظفریه (کوك مسجد) دفنش کردند (مآثر رحیمی)

جلال الدین دوانی که از فحول علما و دانشمندان ایرانست در آن زمان در تبریز شریف داشته و شواکل الحور فی شرح هیاکل النور را که در یکی از زوایا آن عمارت تألیف فرموده در آخر آن چنین نوشته است

قد نجز تحریره بيمين مؤلفه بعد العشاء الاخره من ليلة الخميس الحاد عشر من شهر شوال ختم بالخیر والاقبال لسنة اثنين و سبعين و ثمانمائه الهجرية بدار الموحدين تبریز فی الزاوية المباركة المظفرية شكر الله سعی بانها السلطان ابی المظفر جهانشاه و رفع درجته فی العلیین و كان نهضته الى جانب ديار بكر فی اوائل هذه السنة و وقع هجوم الاعداء عليه و اعتياله فی الثالث عشر من ربيع الاول للسنة المذكورة .

عمارت مظفریه یا کوك مسجد دارای کاشیهای قشنگ و مرمرهای خوش رنگ بوده و از زلزله های سخت ریخته و خراب شده و هنوز بدنه و سردر آن بریاست و بعضی از سطوح کاشیها و اطراف مرمرهای آن با آیات قرانی و احادیث حضرت رسول زینت یافته و قابل تماشا است و تمام آنها را خطاط مشهور آنعهد نعمه الله بواب نوشته و یا خط او را حکاکی کرده اند و تاریخ تمام شدن را در سردر مدخل عمارت چنین نوشته

حکمت

است (فی الربع الاول من سنة سبعین وثمانائه اقل العباد نعمة الله بن محمد البواب)
کتابه خانقاه آراهم قاضی حسین میبدی مشهور که با چشم خود دیده و تماشا کرده
است در مجموعه منشآت خود چنین نقل کرده است:

اتفق تمهید هذا السقف وتشيد هذا البيت المطبوع في ايام السلطان الاعظم الاعدل
الخاقان الاكرم اكمل باسط بساط الامن على البريه قاسم سهام الفصل على السويه ناصب
لواء الشريعة البيضاء رافع بناء الطريقة الزهراء المتوكل على المهيمن الرحمن ابى المظفر
يعقوب بهادرخان ايد الله تعالى ملكه و اجرى في بحر التوفيق فلكه و ماهى الاحسنه من
حسنات المخدمه العظمى المعصومه الفحوى الموسومة بكمال الاحسان الخاتون
صالحه بنت الخاقان المطاع الفارس الشجاع المتميز عن الاشياء السلطان جهانشاه .

بالجملة جهانشاه پادشاه پنج پسر داشته است : پیربوداق . حسنعلی . قاسم بیگ
میرزا محمدی . میرزا یوسف . و دو صیبه علیشکر بیگ بهارلو را بجهاله و عقد پسران
خود میرزا محمدی و میرزا یوسف آورده بود که استقرار و استمرار دولت او از این
رهگذر بوده و بسبب این سبب و وصلت اینهمه استیلا و استقلال در مباحه ترکمان او را
بهمر سیده بود آیات ذیل را به پسر عاصی خود پیربوداق نوشته است .

« ای خلف از راه مخالف متاب	تیغ بیفکن که منم آفتاب »
« شاه منم ملک خلافت مراست	تو خلفی از تو خلافت خطاست »
« غصب مکن منصب پیشین ما	غصب روا نیست در آئین ما »

حقیقی دیوان اشعار خود را بجامی فرستاد او این آیات را در جواب نوشت .

« همایون کتابی چو درجی زدر	رسید از گهر های تحقیق پر »
« در و هم غزل درج هم مثنوی	ز اسرار صوری و هم معنوی »
« شده طالع از مطلع هر غزل	فروغ طباشیر صبح ازل »
« زمقطع چه گویم که هر مقطعی	که فیض ابد را بود منبعی »
« بصورت پرستان کوی حجاز	ز شاه حقیقی شان داده باز »

حکمت - میرزا مهدی تبریزی ملقب به زعیم الدوله و رئیس الحكماء است که
روزنامه ای بنوان حکمت در قاهره مصر در تاریخ ۱۲۱۰ هجری تأسیس نموده و تا مدتی